

رویکرد نظام کیفری افغانستان در قبال جرایم زیست‌محیطی

سید محمد عالمی^{۱*}، بلال احمد خطیر^{۲**}

۱- استاد دانشکده حقوق، دانشگاه کاتب

۲- محصل ماستری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه کاتب

چکیده

رشد روزافزون بحران‌های پی در پی زیست‌محیطی باعث شده که دولت‌ها به طور جدی به تکاپو بیفتند و برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست چاره‌اندیشی نمایند. تا کنون حدود ۲۸۰ معاهده بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه حفاظت از محیط‌زیست منعقد شده است. در عرصه داخلی نیز اغلب کشورهای جهان گام‌های موثری را در جهت تدوین و یا اصلاح قوانین و مقررات و سیاست‌های متنوع داخلی خود، در عرصه محیط‌زیست خویش برداشته‌اند. افغانستان در دو دهه اخیر قوانینی در مطابقت با قواعد حقوق بین‌الملل وضع نموده است. بدیهی است؛ صرف وجود قوانین و مقررات در هر عرصه‌ای از حقوق، بدون توجه به زمینه‌ها و چگونگی اجرای قواعد نمی‌تواند حلال مشکلات باشد و جرم‌انگاری نقض قواعد و بیان ضمانت‌اجراها از جمله کیفرگذاری ضرورت هر نظام حقوقی است. در این تحقیق ما با هدف ارزیابی قواعد مرتبط با حفاظت از محیط زیست به ویژه در جرم‌انگاری و تعیین ضمانت‌اجراها در قبال نقض تعهدات زیست محیطی، مروری تحلیلی و توصیفی به رویکرد نظام کیفری افغانستان داشته و به دنبال این خواهیم بود که این نظام تا چه اندازه‌ای توانسته است در حفاظت از محیط زیست کارایی داشته باشد. مطالعه دقیق آنچه در جرم‌انگاری و تعیین مجازات متخلفین در قوانین افغانستان آمده است، نشان از این دارد که قانونگذار توجه نسبتاً خوبی به ایفای نقش افغانستان در این عرصه داشته است. کود جزای افغانستان در باب یازدهم مهم‌ترین جرایم زیست‌محیطی را مورد شناسایی قرار داده و برای مرتکبین آن‌ها مجازات تعیین نموده است. قانون محیط زیست و دیگر قوانین مرتبط نیز جایگاه تدوین‌کننده پالیسی و نظارت‌کننده به اداره ملی حفاظت محیط زیست داده و ضمن واگذاری صلاحیت تشخیص تخلفات و اجرای مؤیدات قانونی، امکان ارجاع موضوع غرض تعقیب عدلی از طرف آن اداره را در نظر گرفته است.

کلمات کلیدی: جرایم زیست‌محیطی، افغانستان، نظام کیفری، حقوق بین‌الملل.

* - smalemi@gmail.com

** - belalahmadkhr@gmail.com

مقدمه

حیات انسان بر روی کره زمین عجیب با بهره‌گیری او از محیط زندگی‌اش بوده است. بشر از همان ابتدای حیات خود اهمیت منابع موجود بر آن برای ادامه حیات خویش را درک کرده و تا توانسته به بهره‌برداری از آن برای زندگی مرفه‌تری دست یازیده است. این سبک از استفاده از محیط زیست به ویژه با صنعتی شدن حیات بشری و گسترش علم و تکنالوژی در جامعه انسانی باعث رشد فزاینده آلودگی و تخریب محیط زیست و در پی آن بروز پی در پی بحران‌های زیست‌محیطی گردیده است. این روند دولت‌ها را واداشت تا به دنبال چاره‌اندیشی برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست برآیند. تلاش دولت‌ها در این راستا این را هویدا نمود که اقدامات یکجانبه و یک سویه راه به جایی نخواهد برد و همکاری، تعامل و همبستگی در این عرصه ضروری است. به این جهت در نتیجه داد و ستد دولت‌ها و ایفای نقش بازیگران غیردولتی، بالغ بر هزار سند مختلف بین‌المللی (شیلتون، ۱۳۸۹، ص ۶۲) شامل حدود ۲۸۰ معاهده و موافقت‌نامه بین‌المللی و منطقه‌یی دوجانبه یا چندجانبه و حجم زیادی از قطعنامه‌های الزام‌آور و غیرالزام‌آور در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و مسائل مرتبط با آن منعقد گردید. قواعد موجد حق و تکلیف (قواعد اولیه^۱) بدون توجه به زمینه‌ها و چگونگی اجرای قواعد، به تنهایی تکافوی نیازها جامعه بشری را نمی‌کند و رعایت آنها ضرورت به وجود قواعدی برای بیان نتایج عدم ایفای تعهدات و به تعبیری مسئولیت اشخاص ناقض تعهد (قواعد ثانویه^۲) دارد. «هر نظام حقوقی باید متناسب با تولید قواعد اولیه، اقدام به تولید قواعد ثانویه نماید تا در صورت نقض قواعد اولیه بتوان با به کارگیری قواعد ثانویه، نقض را در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه ممکن جبران کرد تا زمینه پدیدار شدن اهداف مورد نظر از قواعد اولیه فراهم گردد» (کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). جرم‌انگاری نقض قواعد موجود و بیان ضمانت‌اجراها از جمله کیفرگذاری بر متخلفین ضرورت هر نظام حقوقی است و در عرصه حقوق محیط زیست هم عدم توجه دولت‌ها به این دسته از قواعد می‌تواند باعث ناکامی در رسیدن به اهداف گردد.

مشخص است که انعقاد معاهدات بین‌المللی در عرصه محیط زیست که به دلایل متعددی از جمله عدم تمایل دولت‌های عضو به محدود ساختن امکان بهره‌گیری و اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی‌شان، کمتر به سمت ایجاد قواعد سخت^۳ از جمله در عرصه جرم‌انگاری و تعیین مجازات رفته و به شکل‌گیری قواعد نرم^۴ (بدون ضمانت‌اجرا) بسنده کرده است، باید به دنبال خود قانونگذاری در عرصه داخلی را می‌داشت تا تلاش‌های مشترک به نتایج مطلوب منجر گردد. بدین ملحوظ اغلب کشورهای جهان بدون پذیرش تعهدات بین‌المللی گام‌های نسبتاً موثری را در جهت تدوین و یا اصلاح قوانین و مقررات و سیاست‌های متنوع داخلی خود، در عرصه محیط‌زیست برداشته‌اند. دولت افغانستان نیز به عنوان یکی از دولت‌های متعهد به قواعد بین‌المللی در عرصه محیط زیست، به ویژه در ۲۰ سال دوره «جمهوری اسلامی» که تعاملات بیشتری با جامعه بین‌المللی داشته است، با پذیرش برخی از اسناد بین‌المللی در

¹ - Primary Rules

² - Secondary Rules

³ - Hard Law

⁴ - Soft Law

زمینه محیط‌زیست، قوانینی در مطابقت با قواعد (سخت و نرم) شکل گرفته در حقوق بین‌الملل محیط زیست وضع نموده است.

سوالی که در این زمینه به وجود خواهد آمد، این که رویکرد نظام کیفری افغانستان در تدوین قواعد ثانویه برای اجرایی شدن قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل محیط زیست چه بوده و این نظام تا چه اندازه‌ای توانسته است در راستای حمایت و حفاظت از محیط زیست عرصه کارایی داشته باشد؟

مرور ادبیات حقوقی موجود در افغانستان نشان می‌دهد، هر چند در سالهای اخیر مطالعات در عرصه محیط زیست و قواعد حقوقی آن تا حدودی افزایش یافته است اما تحقیقات علمی اندکی به ویژه با هدف بررسی رویکرد کیفری نظام حقوقی افغانستان در راستای حمایت و حفاظت از محیط زیست و تطبیق حقوق بین‌الملل محیط‌زیست انجام یافته است. در مقاله‌ای که توسط روح‌الله صمیم با عنوان «حمایت‌های جزایی از اموال عمومی در حقوق جزای افغانستان» به نگارش درآمده و در سایت موسسه تحصیلات عالی جهان منتشر گردیده است، نگاهی به قواعد موجود در قوانین افغانستان پیرامون تخریب جنگلات، علف‌چرها، پارک‌ها و تفریح‌گاه و همچنین تخریب و تغییر مسیر منابع آبی انداخته شده است (صمیم، ۱۳۹۹، صص ۸-۵). همچنین در تحقیقی علمی که تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در شهر هرات» با هدف کاربردی و با روش توصیفی پیمایش انجام شده است، علی‌رغم مباحث بسیار دقیق پیرامون مبانی نظری، به گونه خیلی مختصر به جرم‌انگاری و کیفرگذاری برای متخلفین جرایم محیطی زیستی در نظام حقوقی افغانستان پرداخته شده است (حسینی، ۱۴۰۲، صص ۲۴۳-۲۴۵).

مقالات فوق پاسخگوی سوالات پیش‌روی این تحقیق نبوده و ضرورت دیده می‌شود با هدف ارزیابی نحوه جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌ها برای ناقضین حقوق محیط زیست در نظام حقوق کیفری افغانستان و نواقص احتمالی رویکرد نظام حقوقی افغانستان، زمینه تقویت ضمانت‌اجراها و تطبیق بهتر قواعد در راستای حمایت و حفاظت از محیط زیست را فراهم سازد.

برای نیل به این هدف در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به روش توصیفی تحلیلی مفهوم جرایم زیست محیطی، مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست محیطی، رویکرد کیفری به جرایم زیست محیطی در حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی، مصادیق جرایم زیست محیطی و مؤیدات و مجازات‌های تعیین شده در نظام حقوقی افغانستان به بررسی گرفته شده است.

با درک اهمیت موضوع، قوانین و مقررات مشخص در افغانستان در پرتو سیاست محیط زیستی در عرصه بین‌المللی؛ در ساحه کنترل و محافظت از محیط‌زیست وضع گردیده که علاوه بر ماده ۱۵ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۲ افغانستان که حفاظت از محیط‌زیست را یکی از تکالیف دولت می‌داند، از جمله می‌توان از قانون محیط‌زیست (۱۳۸۵)، مقرر کنترول مواد مخرب لایه اوزون (۱۳۸۵)، مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا (۱۳۸۸)، مقرر کنترول و مراقبت کیفیت آب (۱۳۹۵)، مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی صوتی (۱۳۹۵)، مقرر زباله‌های طبی (۱۳۹۶)، مقرر ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی (۱۳۹۶) یادآوری نمود که ضمن بیان قواعد راجع به حفاظت و حمایت از محیط زیست، اداره

ملی حفاظت از محیط زیست را به عنوان اداره ذیربط تعیین و صلاحیت‌های لازم را به آن سپرده و در مواردی نیز به جرم انگاری و تعقیب عدلی متخلفین اشاراتی داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین رویکردهایی که قانون‌گذار در مورد حفاظت از محیط‌زیست، پیش‌بینی نموده است، اختصاص باب یازدهم «۱۱» کود جزا در مورد جرایم زیست‌محیطی می‌باشد. این باب در پرتو و روشنایی اسناد مختلف بین‌المللی و تعهد دولت افغانستان بر این اسناد طی پنج فصل، جرایم علیه محیط‌زیست، جرایم مربوط به جنگل‌ها، جرایم مربوط به آب، جرایم مربوط به امور زمین‌داری و جرایم مربوط به غرق و مرافق عامه را بالترتیب پیش‌بینی و برای هر یک مجازات مشخص تسجیل نموده است.

۱. مفهوم‌شناسی جرایم زیست‌محیطی

با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط‌زیست که بیان‌کننده کلیه فعالیت‌ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامون‌شان می‌باشد، این نتیجه حاصل می‌گردد که حقوق محیط‌زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام رشته‌های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل و آن قسمت از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط‌زیست را در تمامی قسمت‌های حقوقی وارد کند، نیز در بر می‌گیرد. به همین دلیل حقوق کیفری محیط‌زیست جزئی یا کلی شامل بخش‌های متعدد از مقرراتی می‌شود که یا با ملاک‌ها و محک‌های تأسیس و یا با محک‌های مادی و تعریف محیط‌زیست تاکید دارند (مشهدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳). بر این اساس می‌توان جرم زیست‌محیطی را این گونه تعریف نمود که «جرم زیست‌محیطی هر نوع فعل یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط‌زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شود» (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۱).

۱-۱. تعریف جرایم زیست محیطی در اسناد بین‌المللی

مطالعه اسناد بین‌المللی موجود در زمینه حفظ و حمایت از محیط‌زیست نشان می‌دهد که در اسناد مذکور توجهی به تعریف جرایم زیست‌محیطی صورت نگرفته ولی از برخی اعمال به ویژه در زمان مخاصمات مسلحانه یاد گردیده که در صورت وقوع آن به محیط‌زیست ضرر وارد می‌شود و می‌توان آن‌ها را جرایم زیست محیطی دانست. به گونه‌مثال می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف - پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ از کشورهای پیشرفته خواست تا از میزان تولید گازهای گلخانه بکاهند که در واقع از نظر پروتکل کیوتو تولید گازهای گلخانه‌ای جزء جرایم محیط زیستی دانسته شده است (Smith, 2005, PP 368-369).

ب - ماده ۳۵ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه که به بیان قواعد اساسی پیرامون روش‌ها و ابزارهای جنگ پرداخته است، در بند سوم اشعار داشته است: «کاربرد روش‌ها و ابزارهای جنگی که هدف از آنها ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی باشد، ممنوع است.»

ج - در ماده ۲۰ پیش نویس ۱۹۹۶ قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری که به مصادیق جرایم جنگی می‌پردازد، بند هفتم با عبارتی تقریباً مشابه پروتوکول اول الحاقی ۱۹۷۷، کاربرد روش‌ها یا ابزارهای جنگی را که خسارات گسترده، دراز مدت و شدید بر محیط زیست طبیعی وارد می‌سازد را در زمره جرایم برشمرده است.

د- اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز که در ماده ۸ جرایم جنگی تحت صلاحیت دیوان را برمی‌شمرد، در فقره چهارم بند ب قسمت دوم «انجام عمدی حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیر نظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد» را در زمره جرایم تحت صلاحیت دیوان آورده است که می‌توان آن را به گونه جرایم زیست‌محیطی دانست.

در نهایت می‌توان گفت علی‌رغم وجود اسناد متعدد بین‌المللی تا به امروز هیچ تعریف واحدی از جرم زیست محیطی به عنوان یک جرم بین‌المللی ارائه نشده است و دلیل آن این است که برای رسیدن به یک تعریف واحد باید حدود و دامنه جرم زیست محیطی مشخص شود و در این میان بسیاری از دولت‌ها و سیاستمداران که منافع خود را در خطر می‌بینند سعی دارند از این امر جلوگیری نمایند (جام بزرگ، ۱۳۹۸، ۲۶۱).

۲-۱-۲. تعریف جرایم زیست محیطی در قوانین افغانستان

۱-۲-۱. در قانون محیط زیست (۱۳۸۵)

با مطالعه مواد قانون محیط زیست افغانستان نیز باید گفت که مقنن تعریف مشخصی را در مورد جرایم زیست محیطی بیان نکرده است. با این وجود هدف از قانون محیط زیست افغانستان در ماده دوم آن به شرح ذیل بیان شده است:

- ۱- حفاظت صحت بشری، حیوانی و نباتی و بهبود وضع معیشت آن‌ها.
 - ۲- تأمین عمل کرد ایکولوژیکی و سیر تکامل آن.
 - ۳- تأمین منافع و نیازمندی‌های نسل فعلی و آینده مرتبط با محیط زیست.
 - ۴- حفظ میراث‌های طبیعی و فرهنگی.
 - ۵- تسهیل در امر بازسازی و رشد دوامدار اقتصاد ملی.
- با در نظر داشت مذکور شاید بتوان گفت، هر نوع عمل (فعل یا ترک فعلی) که در تعارض با یکی از اهداف مندرجه قانون فوق‌الذکر باشد، به عنوان جرم زیست محیطی دانسته می‌شود.

۱-۲-۲. در کود جزا (۱۳۹۶)

کود جزای افغانستان در بند اول ماده ۸۰۷ به دنبال تعریف جرایم زیست محیطی است اما بدون ارائه تعریف مناسب، با بیان مصادیقی از جرایم محیطی زیستی فاعل آنها را مرتکب جرم محیط زیستی دانسته است. در این ماده آمده است، «شخصی که مواد مضره یا مواد آلوده‌کننده را در آب، خاک، هوا، یا

زمین بیاندازد که کیفیت فیزیکی، کیمیاوی یا بیولوژیکی آن‌ها را طوری که به انسان یا سایر موجودات زنده گیاهان یا بناها مضر باشد، پخش و یا مخلوط کند» مرتکب جرم زیست‌محیطی شناخته می‌شود. در این ماده در ادامه تعریف مذکور، به ذکر مجازات کلی (حبس متوسط) برای مرتکبین جرایم زیست‌محیطی پرداخته شده و در بند دوم نیز افزوده گردیده که هر گاه جرم مذکور «منجر به صدمه جسمی یا روحی یا مرگ شخص گردد، مرتکب علاوه بر حبس طویل به جزای جرم مرتکبه نیز محکوم می‌گردد.» چنان که مشخص است، این ماده به دلیل صرفاً توجه به یکدسته از جرایم زیست‌محیطی (آلوده ساختن محیط زیست) همچنین تعیین مجازات کلی برای تمامی جرایم زیست‌محیطی که با محتوای مواد دیگر که به مصادیق این دسته از جرایم پرداخته است، در تعارض قرار دارد، نمی‌تواند مبنایی مناسب برای تعریف حقوقی جامع و مانع از جرایم زیست‌محیطی جرایم زیست‌محیطی قلمداد گردد.

۲. مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی

جرم‌انگاری رفتارها، یکی از شاخصه‌هایی است که در شناخت نظام حقوق کیفری، نقش‌آفرین است. با توجه به اصل برائت و لزوم رعایت حقوق و آزادی‌های افراد و پرهیز از هرگونه تعرض به آن‌ها، جرم‌انگاری رفتارها، باید بر مبنای یک نگرش ژرف‌اندیش و بر پایه الزامات عقلانی باشد؛ چه اینکه فرآیند جرم‌انگاری رفتارها، در محیطی اجتماعی و انسانی شکل می‌گیرد که مؤلفه‌ها و متغیرهای گوناگونی بر آن تأثیرگذار است. در پیوند بر مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی با توجه بر نظریات مختلف مکاتب حقوقی؛ که هر یک مبنا یا مبانی متفاوت برای جرم‌انگاری مطرح می‌نمایند، می‌توان به این نتیجه رسید که از دید مکاتب مختلف حقوقی مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی قرار ذیل است:

۲-۱. از منظر حقوق طبیعی

در مکتب حقوق طبیعی مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی دستورات الهی در ادیان مختلف و یا همچنین حکم عقل می‌باشد.

یکی از مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی، آموزه‌های دینی بر پایه مبانی دستورات الهی است که نظر به ادیان، مختلف می‌باشد. از منظر اسلام مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی منع شارع مقدس از انجام این اعمال و در عین حال تضاد این رفتارها با مصالح عمومی است. دانشمندان مسلمان از باب مصالح خسته^۱ این اعمال را مضره تشخیص داده و جرم‌انگاری نموده‌اند. نام‌گذاری برخی از سوره‌ها در قرآن کریم، سوگند قرآن کریم نسبت به بسیاری از پدیده‌های طبیعی و اختصاص آیات فراوانی از کلام الله به مناظر و مظاهر طبیعت و خلقت همگی حکایت از این موضوع دارد که طبیعت با تمامی

^۱ مقصود شرع نسبت به خلق پنج امر (حفظ دین، حفظ نفوس، حفظ عقول، حفظ نسل و حفظ اموال) است. آن‌چه متضمن و متکفل حفظ این اصول پنج‌گانه باشد مصلحت و آن‌چه سبب تقویت آن‌ها باشد مفسده نامیده می‌شود. حفظ این اصول خسته در حد ضرورات بوده و از لحاظ مرتبه قوی‌ترین و بالاترین مصالح است.

ابعاد آن از منظر قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) اهمیت بسیار زیاد دارد. در دین اسلام این قاعده لاضرر مبنای جرم‌انگاری مواردی زیادی چون جرایم زیست‌محیطی است. قاعده لاضرر از آن رو که اختصاص به ابواب معینی از فقه ندارد، یک قاعده فقهی عام است؛ یعنی فرمولی بسیار کلی که منشأ استنباط در موارد مختلف قرار می‌گیرد (ریسونی، ۱۳۷۶، ص ۳۶) اهمیت این قاعده به اندازه‌ای است که برخی از آن به عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند و آن را از قواعد حاکمی دانسته‌اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است (مطهری، ۱۳۵۱، ص ۳۶) به همین دلیل گفته شده است که اگر فقه دایر بر پنج قاعده باشد، یکی از آنها قاعده لاضرر است.

یکی دیگر از مبانی جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی در مکتب حقوق طبیعی، آموزه‌های فلسفی بر پایه مبانی عقلی است. مجموعه قوانین جزایی، معلول زندگی اجتماعی است که زیر بنای آن را مبانی عقلی تشکیل می‌دهد. آموزه‌های عقلی و فلسفی برگرفته از مفهوم و معنای زندگی بشری است که فیلسوف با استفاده از آن، به پردازش و تحلیل مبانی فلسفی می‌پردازد. این مبانی، در چینش منطقی زندگی بشر، از جمله در فرآیند جرم‌انگاری نیز دخالت دارند.

جرم‌انگاری، فرعی در فرآیند قانون‌گذاری است که می‌تواند تأثیرپذیری مستقیم و یا غیرمستقیمی از اصلی به نام آموزه‌های عقلی داشته باشد. مبانی عقلی، دارای چهارچوبی مشخص است که فیلسوف، آن را از جهان اطراف، کشف می‌کند و می‌توان با نمونه‌برداری از آن، حدود و هم‌چنین چگونگی و چرایی جرم‌انگاری رفتارها را تعیین کرد؛ به بیانی دیگر، قانونگذار، برای رفتارهایی که جرم‌انگاری می‌کند، باید از توجیهی عقلی، مبتنی بر تحلیلی فلسفی، برخوردار باشد.

با تلاش بکاربا و نگارش کتاب جرایم و مجازات توسط وی، سده هجدهم میلادی نخستین نشانه‌های وجدان علمی در ارتباط با کاربرد حقوق کیفری را به خود دید و سده نوزدهم شاهد آغاز بحث در این باره بود که آیا کاربرد مزبور هیچگونه مرز طبیعی یا نظری دارد یا خیر. این بحث از فایده‌گرایی شروع شد و با رساله درباب آزادی «جان استوارت میل» در حقوق کیفری غرب غوغا به پا کرد. رساله یاد شده برای نخستین بار این موضوع را پیش کشید که حقوق کیفری حق مجازات رفتارها را صرفاً به این دلیل که جامعه آن‌ها را تأیید نمی‌کند، ندارد و مرزی که قدرت دولتی حق تجاوز از آن را ندارد، مرزی است که اعمال «مرتبط با دیگران» را از اعمال «مرتبط با خود» جدا می‌سازد (روستایی، ۱۳۹۴، ص ۵۲) در فرآیند پیدایش و بسط اصل ضرر، «میل» مدافعی سرسخت برای این اصل و «فاینبرگ» تعدیل‌کننده اندیشه‌های سلف خود است. برشمردن تفاوت میان این دو به درک بهتر تحول این اصل کمک می‌کند. برای میل، اصل ضرر یک اصل انحصاری و تنها اصلی است که توان توجیه مداخله‌های دولت را دارد. در ساخت‌بندی کلاسیک از اصل ضرر، آنچه این اصل در رابطه با جرم‌انگاری انجام می‌دهد، برقراری محدودیت‌هایی بر مداخلات دولت علیه افراد از طریق حقوق کیفری و تعیین مداخلات موجه است. این محدودیت‌ها در قالب واژگانی ضد پدرسالارانه و ضد اخلاق‌گرایانه برقرار می‌شود که بر مبنای آن، تنها برای رفتاری می‌توان

تعیین کیفر کرد که موجب ایراد ضرر به دیگران باشد و مداخله برای مصلحت خود فرد یا مداخله بر مبنای اخلاق متعارف کنار گذاشته می‌شود. برداشت فاینبرگ محدودتر از میل است. او ضرر به دیگری را تنها معیار نمی‌داند، بلکه آن را دلیل خوبی برای تصویب قوانین کیفری می‌داند (Feinberg, P7, 1984) در این نگرش، ضرر یکی از ملاحظات در میان سایر ملاحظات وضع قانون کیفری است. نتیجه حاصل از اندیشه فاینبرگ آن است که از یک سو، یک رفتار مضر زیست‌محیطی ممکن است با توجه به دلایل دیگر جرم‌انگاری نشود و از سوی دیگر، یک رفتار بدون ضرر، ممکن است با توجه به دلایلی غیر از ضرر، جرم شناخته شود (روستایی، ۱۳۹۴، ص ۵۶).

۲-۲. از منظر حقوق وضعی

از منظر پیروان مکتب حقوق وضعی که قواعد را موضوعه بشر و در عرصه حقوق بین‌الملل دولت‌ها را واضعان قواعد می‌دانند، ایدئولوژی و مکاتب فکری تأثیر به‌سزایی بر مبانی ایجاد قواعد داشته است. امروزه معضلات زیست‌محیطی جهانی به عنوان یکی از چالش‌های امنیت جهانی درآمده که حل آن از توان یک یا چند دولت خارج می‌باشد. بدون همکاری بین‌المللی و توافق جهانی حل این معضلات امکان‌پذیر نخواهد بود. نظریات مختلف در روابط بین‌الملل در تحلیل رویدادهای مختلف از جمله مسائل زیست‌محیطی زوایای دید متفاوتی دارد؛ لیکن در مقام اجرا حل مشکلات و معضلات مهمی همچون مسائل زیست‌محیطی و با توجه به سیالیت سیاست بین‌المللی نمی‌توان تنها با یک رویکرد ثابت عمل نمود. از این رو ارزیابی رویکردهای نظری مختلف و تحلیل نقاط و ضعف و قوت آنها در جهت به‌کارگیری عملی آن نظریات ضروری می‌نماید. رویکردهای لیبرالیستی به عنوان یکی از نظریات جریان اصلی روابط بین‌الملل همواره داعیه‌دار حل چالش‌های جهانی که مسایل زیست‌محیطی از جمله آنهاست، می‌باشد.

خوش‌بینی لیبرالیسم به سرشت بشر، توجه و تأکید بر امکان همکاری در مسائل زیست‌محیطی با توجه به منافع مشترک، توجه به صلح جهانی، تأکید بر حقوق بین‌الملل، نهادگرایی، رژیم زیست‌محیطی و نقش بازیگران غیردولتی، به عنوان نقاط قوت رویکردهای لیبرالیستی باید مورد توجه سیاست‌گذاران مسائل زیست‌محیطی جهانی قرار گیرد. از سوی دیگر اولویت مسائل اقتصادی و تأکید افراطی بر اصالت فرد و آزادی فردی، عدم توجه عملی به توسعه پایدار، کم‌توجهی به سطوح فراملی و منطقه‌ای در رویکردهای لیبرالیستی به عنوان نقاط ضعف باید در سیاست‌های عمل‌گرایانه مورد نظر باشد (صانعی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۵).

به عنوان رویکردی دیگر، مکتب نیوهیون که باید بن‌مایه آن را در رئالیسم سیاسی جستجو نمود، باور ندارد که حقوق، کالبدی متشکل از مجموعه قواعد حقوقی پیشینی باشد که کارشان نظم و نسق دادن به رفتارهای اجتماعی است؛ بلکه حقوق را فرایندی از انتخاب‌ها و تصمیمات مبتنی بر تعاملات اجتماعی بازیگران عرصه بین‌المللی در دل موقعیت‌های گوناگون می‌داند که در جامعه بین‌المللی عملاً محقق می‌شوند. مکتب نیوهیون با ارائه چارچوبی ساختارگرایانه از مفاهیم حقوق بین‌الملل و با

مطالعه این مفاهیم در بستر جامعه بین‌المللی به کمک روش‌هایی علمی و چندوجهی، حقوق را حاصل فرایندی از مجموعه تعاملات بازیگران و نهادهای بین‌المللی می‌داند که در راستای برآورده کردن اهدافی متعالی به نام جامعه مشترک بین‌المللی گام بر می‌دارند (محبی، ۱۳۹۶، صص ۱۸۴ و ۱۸۵)

از دید مکتب نیوهیون، مبنای جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی را باید اراده دولت‌ها تحت تأثیر سیاست بین‌الملل جستجو نمود و حتی می‌توان بر اراده نیروهای غیردولتی به عنوان بخشی از کشندگان اجتماعی نیز توجه داشت و گفت این نیروهای غیردولتی نه تنها مستقیماً نقش‌آفرینی می‌کنند، بلکه بر تعریف منافع ملی دولت‌ها و بر اراده تصمیم‌گیرندگان نهایی بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) تأثیر می‌گذارند.

۳. رویکرد کیفی به حفاظت از محیط زیست در اسناد بین‌المللی

اهمیت موضوع حمایت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، در عصر ما یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دولت‌ها است و درک این اهمیت نیز تا به آنجا صورت گرفته است که حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر یا حقوق همبستگی مورد شناسایی جامعه جهانی قرار گرفته است. نظر به اهمیت و حساسیت موضوع محیط زیست، مصادیق و جلوه‌های آن و نقش روزافزون مسائل زیست‌محیطی در زندگی بشر، بخش مهم حمایت و صیانت از محیط زیست، از طریق تدابیر حقوقی تأمین می‌شود. این امر، به ویژه از طریق تعیین ضمانت اجراهای انتظامی، اداری، مدنی و کیفری برای مرتکبان رفتارهای مخرب، آسیب‌زا و خطرناک زیست‌محیطی صورت می‌گیرد (حسینی، ۱۴۰۱، ص ۲۴۲)

هر چند بحث محیط زیست با آغاز فعالیت جنبش‌های غیردولتی مطرح گردید اما با ورود پای دولت‌ها به این عرصه می‌توان گفت، تاریخ تدوین قوانین بین‌المللی حفاظت از محیط زیست به سال ۱۸۶۸ که در آن سعی بر ایجاد موافقت بین‌المللی برای حفاظت از پرندگان مفید برای کشاورزی قرار گرفت برمی‌گردد. حقوق بین‌المللی آلودگی دریاها نیز در دهه ۱۹۵۰ میلادی تدوین شد. در سال ۱۹۶۸ کنفرانس پاریس (حمایت از انسان و لایه بیوسفر) تشکیل و منجر به تأسیس سازمان محیط‌زیست و قانون حفاظت و به‌سازی محیط‌زیست شد. یک سال بعد در سال ۱۹۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای صادر کرد. می‌توان گفت، نخستین اقدام عملی در راستای حمایت و حفاظت از محیط زیست به ابتکار سازمان ملل و به تحریک و تشویق نهادهای غیردولتی در سال ۱۹۷۲ در استکهلم در مورد محیط زیست انسان انجام شد. در سال‌های اخیر دنیا شاهد توسعه و پذیرش چندین موافقت‌نامه در سطح منطقه‌ای و جهانی برای کنترل آلودگی که از مصادیق جرایم زیست‌محیطی می‌باشد و حفاظت و حمایت از محیط‌زیست بوده است. برای مثال موافقت‌نامه‌هایی برای کنترل تخلیه زباله در دریا (کنوانسیون لندن ۱۹۷۲) در خصوص دفع زباله (پروتکل ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳)، حفاظت محیط‌زیست دریایی مناطق ویژه (مثل کنوانسیون حفاظت دریایی مدیترانه در برابر آلودگی ۱۹۷۶) کنترل آلودگی دوربرد برون مرزی هوا (کنوانسیون ۱۹۷۹

آلودگی فرامرزی دوربرد هوا و پروتکل آن) و حفاظت از لایه اوزن (کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزن ۱۹۸۵ و پروتکل مونترال ۱۹۷۸) و اصلاحیه‌های بعدی آن‌ها می‌باشد (محمدی آرزوجی، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

پیمان‌های وین و پروتکل مونترال در مورد لایه اوزن از دیگر اقدامات بین‌المللی است. متعاقب آن کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد که به عنوان یکی از کنفرانس‌های مهم در زمینه حفاظت از محیط‌زیست شناخته شده است. پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ از کشورهای پیش‌رفته خواست تا از میزان تولید گازهای گلخانه‌ای بکاهند (Smith, 2005, PP 368-369).

هرچند که کنفرانس‌های نامبرده هر کدام به تنهایی گام مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برداشتند، در هیچ یک به مسأله جرم‌انگاری زیست‌محیطی در ابعاد بین‌المللی توجهی نشان داده نشد اما به هر حال نمی‌توان نقش این کنفرانس‌ها و اسناد را در ایجاد زمینه برای توجه بیشتر به حفاظت از محیط‌زیست و به تبع آن تلاش دولت‌ها برای جرم‌انگاری زیست‌محیطی در سطح داخلی و بین‌المللی نادیده گرفت.... دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که برای حفاظت از محیط‌زیست تنها نمی‌توان به راهکارهای حقوقی و اداری بسنده کرد و باید برای مقابله با آسیب‌های زیست‌محیطی به دنبال روشی جدیدتر و توجه به روش‌های کیفری برآمد (جام بزرگ، ۱۳۹۸، ص ۲۶۰).

آنچه امروز جرم‌انگاری زیست‌محیطی بین‌المللی شاهدیم، حاصل تجربیات گذشته جامعه جهانی از جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی می‌باشد زیرا در اوایل قرن نوزدهم حقوق کیفری عمدتاً واجد یک خصیصه داخلی و ملی بوده‌اند و در واقع تنها برای اجرا شدن در درون جوامع خاصی تدوین شده بودند. در پایان قرن نوزدهم و مخصوصاً پس از جنگ جهانی اول معاهدات بین‌المللی متعددی برای مجازات مجرمینی که خطری برای جامعه بین‌المللی به شمار می‌رفتند، تدوین گردید. روند بین‌المللی شدن حقوق جزا در دهه‌های اخیر شتاب بیشتری یافته است. این امر ناشی از عواملی چون افزایش ارتکاب جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت، توجه بیشتر به لزوم عایت حقوق بشر در سطح جهانی و گسترش تروریسم بین‌المللی می‌باشد (جام بزرگ، ۱۳۹۸، ص ۲۷۵).

در عرصه بین‌المللی دو سند مهم وجود دارد که در آنها از جرایم بین‌المللی سخن گفته شده و به موضوع آلودگی و تخریب محیط زیست به صورت غیرآشکار و در درون جرایم بین‌المللی مورد نظر آن اسناد، توجه صورت گرفته است که البته بیشتر حول محور جنگ و مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تدوین یافته‌اند. اولین سند، اساسنامه دادگاه نورنبرگ (۱۹۴۵) است که در آن از جرایم ضد صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نام برده شده است. هرچند از جرایم زیست‌محیطی در این اساسنامه سخنی به میان نیامده است اما در غالب جرایم جنگی از تخریب غیرضروری اموال و مناطق گوناگون شهری و غیرآن که در واقع تخریب بخشی از محیط زیست شمار می‌رود یاد شده است. سند دیگر، معاهده رم یا اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸) است. در این سند نیز به صراحت از جرایم زیست‌محیطی یاد نشده است اما همانطور که قبلاً گفته شد، در ماده ۸ ضمن بیان جرایم جنگی، دیوان حملاتی را که

باعث ورود صدمه گسترده، درازمدت و شدید بر محیط زیست شود را از مصادیق جرم جنگی و تحت صلاحیت دیوان دانسته است (فقیه حبیبی، ۱۴۰۱، صص ۱۴۹ و ۱۴۸).

مطالعه اسناد فوق‌الذکر اینگونه نشان می‌دهد که جرایم زیست محیطی بین‌المللی تنها به شکل ضمنی و در رهگذر برخوردهای مسلحانه قابل تصور می‌باشد. با این وجود در سطح منطقه‌ای شورای اروپا در ۴ نوامبر ۱۹۹۸ کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست از طریق کیفری^۱ را تصویب کرد. این کنوانسیون که خود بخشی از کشورهای جامعه بین‌الملل را در دل خود دارد، به سمت حمایت کیفری از محیط‌زیست حرکت کرده است و تمایل بخشی از جامعه جهانی را برای برخورد کیفری با نقض‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد. کنوانسیون مربوط به حمایت از محیط‌زیست توسط حقوق کیفری اروپا در ۱۹۹۸ در مقدمه به تحقق یک سیاست کیفری مشترک در حمایت از محیط‌زیست توجه می‌کند و توسعه صنعتی کنترل نشده را موجب آلودگی محیط‌زیست دانسته و پیش‌گیری از خسارات زیست‌محیطی در اولین مرحله قبل از سایر وسایل را لازم می‌داند. مقدمه کنوانسیون سه نکته را یادآوری می‌کند که سعی کرده‌اند از طریق به کارگیری حقوق جزا به حمایت از محیط‌زیست بپردازند، بیان می‌کنند.

۱- اعتقاد بر لزوم حمایت کیفری از محیط‌زیست؛

۲- لزوم جرم‌انگاری نقض‌های دارای آثار شدید بر محیط‌زیست و مجازات مجرمین؛

۳- لزوم و اهمیت مجازات کیفری و اداری اشخاص حقوقی؛

این کنوانسیون جنایات زیست‌محیطی را به جنایات عمدی که در ماده ۲ آورده شده است و جنایات ناشی از بی‌مبالاتی که در ماده ۳ به آن اشاره دارد، تقسیم می‌کند. ماده ۲ این کنوانسیون فهرستی از جرائم ارائه می‌دهد که دولت‌های عضو باید آن‌ها را در مورد مباشرین و معاونین در ارتکاب آن‌ها جرم‌انگاری کنند.

ماده ۳ کنوانسیون نیز دولت‌های عضو را مکلف کرده است تا اعمالی را که در ماده ۲ ذکر کرده است، اگر از روی عمد هم نبودند و از روی بی‌مبالاتی صورت گرفت، جرم تلقی کنند. البته در بند ۲ و ۳ ماده ۳ به دولت‌ها این اختیار را داده است تا موارد ماده ۲ را در صورت که بی‌مبالاتی شدید نباشد، جرم تلقی نمایند.

این کنوانسیون اعضا را ملزم می‌کند تا ضمانت اجراهای اداری برای جرایم کم‌اهمیت قرار دهند و در مقابل جرایم شدید و دارای اهمیت که عمداً صورت می‌گیرد را با مجازات‌های چون زندان و مجازات مالی تعقیب کنند و الزام به احیای محیط‌زیست کنند (ماده ۶) و سود حاصل از جرم را مصادر کنند (ماده ۷)

این کنوانسیون لیست کاملی از جرایم ارتكابی نسبت به محیط‌زیست را بر می‌شمارد. در ماده ۹ این کنوانسیون بیان می‌کند که دول عضو تدابیر مناسب جهت تحمیل مجازات‌های کیفری یا اداری نسبت به جرایم ارتكابی مندرج در مواد ۲ و ۳ کنوانسیون را اتخاذ نمایند. بند یک ماده ۹ کنوانسیون مشعر بر این است که دولت‌های عضو در صورت ضرورت باید تدابیر مقتضی اتخاذ کنند تا اعمال مجازات یا

¹ Convention on the Protection of the Environment through Criminal Law.

اقدامات کیفری و اداری علیه اشخاص حقوقی که از جانب آن‌ها جرایم مندرج در مواد ۲ و ۳ توسط ارکان یا اعضا یا دیگر نمایندگان آن‌ها ارتکاب یافته است، امکان پذیر گردد. کنوانسیون هم‌چنین از دولت‌های عضو می‌خواهد تا اعمالی را که با ایجاد خطر مهم ایراد آسیب شدید، محیط زیست را به مخاطره می‌اندازد، مورد جرم‌انگاری قرار دهند. کنوانسیون ترتیبات دیگری را نیز بیان کرده از جمله:

- ۱- پیش‌بینی صلاحیت جهانی با تأکید بر قاعده «یا مجازات کن یا مسترد کن»، برای تعقیب و محاکمه قاره‌ای به ارتکاب جنایات زیست محیطی؛
 - ۲- پیش‌بینی مجازات زندان و بازگرداندن وضع محیط‌زیست به حالت پیش از تخریب؛
 - ۳- شناسایی محیط مرکب اشخاص حقیقی و حقوقی برای ارتکاب جنایات مورد شمول کنوانسیون؛
 - ۴- شناسایی ماده حقوقی و کنوانسیون برای اشخاص حقوقی؛
 - ۵- شناسایی گروه‌های زیست محیطی از جمله سازمان‌های غیردولتی زیست به عنوان ذینفع برای طرح دعاوی زیست محیطی؛
 - ۶- تعبیه مکانیسم همکاری ملی و فراملی برای رعایت مقررات کنوانسیون؛
- که این اقدامات جدید و نو بوده و زمینه را برای شکل‌گیری حقوق بین‌الملل در حمایت از محیط‌زیست ایجاد کرده است. این کنوانسیون با توجه به این که مربوط به اراده تعدادی از کشورهای جهان است، می‌تواند نشان دهنده آمادگی جهان برای حمایت کیفری از محیط‌زیست باشد و از سویی دیگر به عنوان یک الگو و مدل مورد بررسی قرار بگیرد.

۴. جرایم زیست محیطی و پاسخ‌گویی به آنها در قوانین افغانستان

مطالعه قوانین جزایی که در افغانستان موجود بوده، اعم از قوانین گذشته از قبیل نظام نامه‌های جزای عمومی سال‌های ۱۳۰۰، ۱۳۰۲ و ۱۳۰۶ دوران امان‌الله‌خان و قانون جزای مصوب ۱۳۵۵ (که در این اسناد به طور صریح جرایم زیست محیطی تعریف و مصداق‌شناسی نشده) و اسناد جزایی نافذ جدید، نمایان می‌سازد که کود جزای مصوب ۱۳۹۶، در باب یازدهم تحت عنوان «جرایم زیست محیطی» احکام مفصل تری راجع به جرایم زیست محیطی و مصادیق مختلفی از آن را بیان نموده است. فصل اول این باب تحت عنوان جرایم زیست محیطی و مجازات آن (از ماده ۸۰۷ الی ۸۱۹)، فصل دوم، تحت عنوان جرایم مربوط به جنگل‌ها و مجازات آن (از ماده ۸۲۰ الی ۸۳۵) و به همین ترتیب در فصل سوم، جرایم مربوط به آب و مجازات آن (از ماده ۸۳۶ الی ۸۴۳)، همه به نحوی تحت عنوان جرایم محیط زیستی مورد جرم‌انگاری مقتن قرار گرفته است.

در مواردی دیگر نیز در این قانون به جرایم مرتبط با محیط زیست پرداخته است. به گونه مثال در فصل اول از باب سوم راجع به جرایم علیه امن و نظم عامه، به حریق عمدی جنگلات و علف‌چرها، در فصل چهارم از باب دهم راجع به جرایم مالیاتی و تجارتی به جرایم علیه معادن، نفت و گاز و در فصل سوم از باب دوازدهم به جرایم مرتبط با صحت عامه و در فصل چهارم همین باب به جرایم مربوط به زراعت و حیوانات پرورده پرداخته شده است.

هم‌چنین قابل یادآوری است که قانون محیط زیست افغانستان مصوب ۱۳۸۵ که به جوانب مختلف زیست‌محیطی پرداخته، کمتر توجهی رویکرد کیفری و تعریف جرایم زیست‌محیطی و جلوگیری از آن داشته است. با این حال در این قانون اداره ملی حفاظت محیط زیست به عنوان اداره تعیین‌کننده سیاست‌ها، کنترل‌کننده و تنظیم‌کننده امور مربوط به محیط زیست دانسته شده و در ماده ۶۹ مؤیداتی را تعیین نموده که صلاحیت اتخاذ تصمیم و اجرای آنها به اداره مذکور واگذار گردیده است. چنانچه مؤیدات مذکور کافی نباشد، امکان احاله قضیه به مراجع عدلی پیش‌بینی گردیده است که مجازات افراد خاطی در ماده ۷۰ پیش‌بینی شده است.

در دیگر قوانین مرتبط با محیط زیست نیز کمتر به رویکرد کیفری توجه شده است و صرفاً به امکان ارجاع قضایا به مراجع عدلی و تعقیب عدلی پیش‌بینی گردیده است.

در ادامه جرایم زیست‌محیطی از منظر اسناد ملی به خصوص مصداق‌شناسی این جرایم از منظر کود جزا و قانون محیط‌زیست کشور، مؤیدات تأدیبی در قبال آلوده‌کننده محیط‌زیست و حمایت‌های جزایی از محیط زیست که همان پاسخ‌های جزایی به متخلفین می‌باشد، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۴-۱. مصادیق جرایم زیست‌محیطی در قوانین افغانستان

با توجه به گستردگی محیط زیست و اهمیت آن برای حیات انسان، قلمرو مصادیق جرایم زیست‌محیطی نیز بسیار وسیع و گسترده است. مهمترین مصادیق جرایم زیست‌محیطی که قانون‌گذار افغانستان در کود جزا آنها را جرم‌انگاری نموده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است، عبارت‌اند از: آلوده کردن آب، خاک، هوا، تخریب جنگلات، مراتع و ساحه سبز و قطع بی‌رویه درختان، انداختن مواد سمی و مکروبی در چاه و مخزن آب، تولید و توزیع مواد نفتی بی‌کیفیت، انداختن زباله‌ها، ریختن فاضلاب، ایجاد نمودن عمدی سیلاب و...

در زیر مجموعه این جزء به تبیین مصادیق جرایم زیست‌محیطی در کود جزا و قانون محیط‌زیست و دیگر قوانین مرتبط پرداخته شده است.

۴-۱-۱. جرایم علیه محیط زیست زنده

محیط زیست زنده شامل حیوانات و گیاهان است که کود جزا و قانون محیط زیست افغانستان به آن توجه داشته و به ویژه فصل ششم قانون محیط زیست تنوع حیات، حفاظت و تنظیم منابع طبیعی، گونه‌های وحشی حیوانات و نباتات را مورد عنایت قرار داده و تلاش نموده است، زمینه اجرای قواعد بین‌المللی از جمله کنوانسیون تجارت بین‌المللی حیوانات و نباتات رو به انقراض را فراهم سازد. قانون‌گذار افغانستان در عرصه کیفری نیز به جرایم مرتبط با این بخش از محیط زیست توجه داشته است.

۴-۱-۱-۱. جرایم تخریب‌کننده محیط زیست گیاهی

قانونگذار در کود جزا در موارد متعدد زیست گیاهی را مدنظر داشته است که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- مقنن در ماده ۸۱۳ قطع درختان و تخریب ساحه سبز متعلق به اماکن عامه را جرم تلقی نموده و برای آن جزای نقدی ۵ هزار تا ۱۰ هزار افغانی تعیین نموده است.

- همچنین شخصی که از جنگل دولتی بر خلاف پلان حفظ و مراقبت جنگل‌ها و منابع آن بهره‌برداری نماید مطابق ماده ۸۳۱ این قانون، ممکن است به جزای نقدی از ۵ هزار تا ۶۰ هزار افغانی محکوم گردد.

- علاوه بر این در مواردی که ممکن است قطع درختان به منظوره‌های اقتصادی مختلف صورت گیرد، قانونگذار مطابق صراحت فقره (۱) ماده ۸۲۹ کود جزا اشخاصی را که از درختان طبیعی جنگل، مغایر احکام مقرر مربوط جهت تهیه ذغال استفاده نماید، علاوه بر استرداد ذغال، مستحق حبس قصیر دانسته است.

- قاچاق چوب نیز از دیگر مواردی است که در جامعه شیوع داشته و ماده ۸۲۷ کود جزا برای اشخاصی که مرتکب این جرم شوند، علاوه بر مصادره چوب یا قیمت آن و مصارف احیای مجدد جنگل تا زمان رسیدن به وضعیت اصلی آن، حبس متوسط بیش از سه سال در نظر گرفته است.

- همچنین در مواد ۸۲۰ و ۸۲۴ به غصب و خرید و فروش جنگلات دولتی و تبدیل آن به زمین زراعتی توجه گردیده، غاصبی که جنگلات را به فروش رسانده علاوه بر الزام به استرداد، مستحق جزای غاصب زمین دانسته شده و برای غاصبی که جنگل را مبدل به زمین زراعتی نموده باشد، جزای حبس متوسط تعیین گردیده است.

- حریق عمدی جنگلات و علفچرها نیز از چشم قانونگذار دور نمانده و در مواد ۳۴۷ و ۳۴۸ به این موارد پرداخته شده و برای حریق عمدی جنگل خصوصی، حبس متوسط، برای حریق عمدی جنگل عمومی، حبس طویل و برای حریق عمدی علفچر جزای نقدی از ۵ هزار تا ۳۰ هزار افغانی در نظر گرفته شده است.

۴-۱-۱-۲. جرایم علیه محیط زیست حیوانی

دسته دیگر از عناصر جاندار محیط زیست حیوانات هستند که نقش آنها (اعم از اهلی و وحشی) نیز در تأمین نیازهای حیاتی بشر از جایگاه والایی برخوردار است. از آنجایی که استمرار و ادامه مراحل مختلف زندگی بشر در پیوند با استفاده بهینه از حیوانات میسر می‌شود، از بین بردن بی‌رویه حیوانات و ایجاد خطر برای حیات آنها، محیط زیست طبیعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین لحاظ قانونگذار افغانستان، جرایم علیه حیوانات را نیز از نظر دور نداشته و موارد ذیل از نمونه‌های توجه به آن است:

- بر اساس ماده ۸۹۸ کود جزا، شخصی که به گونه خطا، حیوانی را که در ملکیت غیر است بکشد، به جزای نقدی پنج هزار افغانی محکوم می‌شود.

- بر اساس ماده ۸۹۹ کود جزا نیز به تعذیب و مثله کردن حیوانات اشاره داشته و تعذیب بی‌رحمانه و یا مثله کردن حیوانات اهلی یا الفت‌گیرنده و کارکشیدن از حیوان بیشتر از طاققت یا از حیوان مریض و زخمی را جرم تلقی نموده و برای آن مجازات نقدی از ۵ هزار تا ده هزار افغانی تعیین نموده است.

- ماده ۹۰۰ جزا به فرهنگ غلط جنگانیدن حیوانات و پرندگان اشاره داشته و اشخاصی را که مبادرت به این اعمال نمایند، مستحق جزای نقدی ۱۰ هزار افغانی دانسته است.

در نتیجه‌گیری از دو عنوان اخیر باید گفت، تلاش قانونگذار در توجه به جرایم مرتبط با محیط زیست حیوانی و گیاهی را نمی‌توان کافی دانست چه اینکه حداقل در زمینه حیوانات وحشی، صید و تجارت گونه‌های در حال انقراض را به فراموشی سپرده است و آنچه در قانون محیط زیست به آن پرداخته شده، بسنده نموده است.

۴-۱-۲. جرایم علیه محیط زیست غیرزنده

محیط زیست غیرزنده را از یک منظر می‌توان شامل آب، خاک و هوا دانست. قواعد زیادی را می‌توان در قوانین و مقرره‌های نافذ افغانستان پیرامون محیط زیست غیرزنده یافت. علاوه بر قانون محیط زیست که مواد زیادی را به محیط زیست غیرزنده اختصاص داده است، مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، مقرر زباله‌های طبی، مقرر آلودگی صوتی، مقرر کنترل مواد مخرب لایه اوزون و مقرر مراقبت و کنترل کیفیت آب از مواردی است که دربردارنده قواعدی در این زمینه می‌باشند.

قانونگذار افغانستان در حوزه کیفری نیز به این دسته از عوامل زیست محیطی توجه داشته و تخلفات مرتبط با آن را جرم‌انگاری نموده است. نمونه بارز این توجه ماده ۸۰۷ کود جزا است که در تعریف جرایم زیست‌محیطی سخن از آلودگی آب، خاک، هوا یا زمین رانده و مرتکب آن را مستحق حبس متوسط دانسته است. در ذیل نمونه‌های دیگری از جرم‌انگاری این حوزه را در قوانین افغانستان خواهیم شمرد.

۴-۱-۲-۱. آلوده‌سازی هوا

آلودگی هوا از شایع‌ترین معضلات زیست محیطی است که تأثیرات زیادی مانند افزایش شکاف لایه اوزون، افزایش باران‌های اسیدی، گرم شدن هوا و... دارد. این موضوع مورد توجه محافل و کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی بوده و اسناد بین‌المللی زیادی پیرامون آن منتشر گردیده است. قانونگذار افغانستان نیز این مهم را از نظر دور نداشته و تصویب مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب سال ۱۳۸۸، که با هدف کلی حفظ محیط زیست سالم و بهبود محیط زیست به دنبال کاهش و جلوگیری از آلودگی و تأثیرات آن بر محیط زیست بوده، مثبت این مدعا است. در این مقرر بر آلاینده‌های عمده شامل توریید مواد سوختی، وسایط نقلیه و فابریکه‌ها و کارخانه‌های تولیدی تمرکز گردیده و ضمن بیان قواعد قابل تطبیق و تعیین ادارات ذیدخل و صلاحیت‌های آنها به جرم‌انگاری و تعیین کیفر نیز بذل توجه شده است. در ذیل به نمونه‌هایی از جرم‌انگاری آلوده‌سازی محیط زیست در این مقرر و دیگر قوانین اشاره خواهیم نمود:

- در ماده ۲۲ مقررہ مذکور، توريد مواد نفتی بی کیفیت به کشور را ممنوع ساخته و در ماده ۳۸ اعلام نموده است که ناقصین ماده ۲۲ (واردکنندگان مواد نفتی بی کیفیت) قابل تعقیب عدلی‌اند. مرتبط به این جرم، ماده ۸۱۱ کود جزا اعلام داشته است، «شخصی که مواد نفتی یا گاز مایع بی کیفیت را بدون در نظر داشت معیارها اداره ملی استاندارد تولید یا توريد نماید علاوه بر مصادره مواد نفتی بی کیفیت، به حبس قصیر محکوم می‌گردد».

- در ماده ۲۳ این مقررہ، پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده‌کننده هوا بیش از حد مجاز توسط منابع تجاری، خانگی و متفرقه ممنوع دانسته شده و در مواد ۳۶ و ۳۷ این قانون نیز جرایم نقدی را برای اشخاصی که ماده ۲۳ و دیگر قواعد راجع به کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا را نقض نمایند، تعیین گردیده که حسب مورد توسط مقتضین قابل اعمال است.

- مقررہ کنترل مواد مخرب لایه اوزون که در سال ۱۳۸۵ با هدف جلوگیری از تخریب لایه اوزون در راستای عملی ساختن پروتوکول مونتریال به تصویب رسیده است، در ماده ۱۲، تولید، توريد و صدور مواد و وسایل مخرب لایه اوزون را بدون اجازه‌نامه جرم تلقی نموده و اعلام نموده است که ضمن ضبط مواد و وسایل، متخلف مورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرد.

- فقره دوم و سوم ماده ۸۱۹ کود جزا نیز مرتبط به آلودگی هوا بوده و به آلودگی هوا ناشی از گاز، دود، فاضلاب و مواد مضره و همچنین اهمال در نظافت وسایل دودزا پرداخته و شخص آلوده‌کننده را مستحق پرداخت ۵ هزار تا ۱۰ هزار افغانی جزای نقدی دانسته است.

۴-۱-۲-۲. آلوده‌سازی و تخریب منابع آب

آب اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین منبع زیست بشری است و به همین دلیل یکی از علل تشنج و تنش در روابط انسان‌ها بوده و هست. قواعد متعددی در سطح جامعه بین‌المللی در مورد استفاده از آب و همچنین مدیریت و تنظیم امور مربوط به آن از جمله جلوگیری از آلودگی آن شکل گرفته است. قانونگذار افغانستان در سال ۱۳۹۵ مقررہ کنترل و مراقبت کیفیت آب را با هدف تنظیم امور مربوط به تعیین معیار کیفیت آب و جلوگیری از آلودگی منابع آبی منتشر ساخت. قانونگذار در کود جزا نیز اهمیت آب را فراموش ننموده و مواد متعددی را به آن اختصاص داده است.

- ماده ۴ مقررہ کنترل و مراقبت کیفیت آب، فعالیت‌هایی را که باعث آلودگی منابع آب بیش از حد مجاز و مغایر با سئندردهای وضع شده ملی گردد، ممنوع اعلام نموده است و مطابق ماده ۳۳ اشخاص حقیقی و حکمی متخلف حسب احوال مکلف به پرداخت معادل خسارت وارده گردیده‌اند.

- براساس ماده ۸۳۷ کود جزا، شخصی که با ریختن فاضلاب، آب را طوری آلوده سازد که سبب وارد شدن صدمه به صحت و سلامتی انسان یا سایر موجودات آبی و غیر آبی گردد، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

- کود جزای افغانستان جرایم مربوط به این موضوع در ضمن دو ماده خویش تحت عناوین (انداختن مواد سمی میکروبی در جاه یا مخزن آب) و (فاسد نمودن چاه یا مخزن عمومی) در مواد ۸۱۴ و ۸۱۵

خویش جرم پنداشته و برای آن مجازات را معین نموده است. هر چند در عموم جرایم زیست محیطی عمدی بودن مد نظر قرار داشته است در فقره سوم ماده ۸۱۴ آمده است: شخصی که به سبب خطا مرتکب یکی از جرایم مندرج فقره ۱ این ماده گردد به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

ماده ۸۳۶ کود جزا چنین مقرر می‌دارد که چنانچه شخصی منابع آب را بدون اجازه مقامات ذیصلاح یا بدون دلایل موجه مسدود یا تخریب کند یا آن را تغییر دهد یا آلات اندازه‌گیری یا نشانه‌هایی را که توسط ادارات مربوط نصب گردیده، بدون دلایل موجه برداشته یا تخریب کند و یا جریان منابع آب را تغییر یا بدون صلاحیت قانونی در توزیع آب مداخله کند، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی محکوم می‌گردد. هرگاه جرم مندرج جزء ۱ فقره ۱ این ماده با استفاده از مواد منفجره صورت گرفته باشد، مرتکب به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد.

براساس فقره (۱) ماده ۸۱۹ کود جزا، شخصی که در دریا، نهر، جوی، کوچه یا آب جاری مواد کثیفه را که به صحت مضر باشد، بیاندازد نیز مجرم و به جزای نقدی ۵ تا ۱۰ هزار افغانی محکوم می‌گردد.

۴-۱-۲-۳. تخریب محیط زیست ناشی از زباله‌های طبی و انتشار امراض

با هدف جلوگیری از اثرات سوء بیولوژیکی زباله‌های طبی و کاهش آن، قانونگذار مقرر زباله‌های طبی را در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسانده است. در این مقرر قواعدی برای جمع‌آوری و دفن مناسب زباله‌های طبی وضع گردیده و در مواد ۲۱ و ۲۲ موارد تأدیبی و جبران خساره مالی متضرر در نظر گرفته شده است. هر چند در این مقرر جرم انگاری صورت نگرفته و مجازاتی برای متخلفین در نظر گرفته نشده است، امکان تعقیب عدلی و مجازات متخلفین براساس ۸۹۱ کود جزا وجود دارد. براساس فقره ۳ ماده مذکور چنانچه شخصی مقررها، طرزالعمل‌ها و ستندردها را رعایت ننماید و عمل وی منجر به سرایت امراض به دیگران گردد، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

انتشار امراض از دیگر موارد خطرآفرین برای محیط زیست است که ممکن است به صورت عمدی (جرایم اجرایی) یا غیرعمدی (جرایم اهمالی) انجام گیرد. براساس این تصنیف کود جزای افغانستان در ضمن مواد ۸۱۷ و ۸۱۸ خویش هر دو مورد را جرم شناخته و برای آن‌ها مجازات را پیش‌بینی نموده است.

ماده ۸۱۷ چنین صراحت دارد: (۱) شخصی که در غیر از حالات مندرج مواد ۸۱۴ و ۸۱۵ عمداً مرتکب عملی گردد که موجب انتشار مرض خطرناک گردد، حسب احوال به حبس متوسط تا سه سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد هشتاد هزار افغانی، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه ارتکاب فصل مندرج فقره ۱ این ماده سبب فوت یا معلولیت دائمی شخصی گردد، مرتکب علاوه بر جزای مندرج این ماده، به جزای جرم مرتکبه، نیز محکوم می‌گردد.

همچنین در ماده ۸۱۸ آمده است: (۱) شخصی که به خطا سبب انتشار مرض خطرناک گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه ارتکاب فصل مندرج فقره ۱ این ماده سبب معلولیت دایمی یا مرگ شخص گردد، مرتکب علاوه بر جزای مندرج این فصل، به جزای جرم مرتکبه، نیز محکوم می‌گردد.

۴-۱-۳. خسارت به محیط زیست غیرطبیعی

چنانچه کمی دامنه دید نسبت به محیط زیست را فراختر بسازیم، می‌توان محیط زیست غیرطبیعی یا مصنوعی را نیز مورد توجه قرار داد که ابدات تاریخی و آثار فرهنگی، تفریح‌گاه‌های عمومی، سرک‌ها و نل‌ها و لین‌های ارتباطی شامل آن می‌گردد. این بخش محیط زیست نیز ارتباط مستقیم و تأثیر فراوانی در حیات انسانی و به ویژه رفاه عمومی بشر دارد. قانونگذار افغانستان این بخش از محیط زیست را فراموش نکرده و موادی از قوانین مرتبط را به این موارد اختصاص داده است.

۴-۱-۳-۱. شکستن نل یا آلات مخصوص آب، برق یا گاز

ماده ۸۱۶ کود جزا به ایراد خسارت نل یا تجهیزات مرتبط با آب، برق یا گاز به عنوان محیط‌زیست ساخته شده، توجه داشته و عنوان نموده است: شخصی که آلات نل یا آلات مخصوص مرافق آب، برق، گاز و غیره مرافق عمومی را عمدتاً بشکند یا تلف نماید که به اثر آن مرافق عمومی معطل گردد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار محکوم می‌گردد. شخصی که عمدتاً تأسیسات ثابت یا قابل انتقال صحی یا وسایل موجود در آن را خراب تلف یا متضرر سازد یا غیر قابل استفاده گرداند، به حبس متوسط دو سال، محکوم می‌گردد. شخصی که به خطا مرتکب یکی از جرایم مندرج فقره ۱ این ماده گردد، به حبس قصیر و جزای نقدی پنج هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

۴-۱-۳-۲. آلوده‌سازی فضاهای عمومی

امکانات ساخته برای رفاه عامه که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی ایجاد می‌گردد، بخشی از محیط زیست به شمار رفته و آلوده ساختن آنها می‌تواند مواردی از جرایم زیست محیطی باشد که توسط قانونگذار افغانستان جرم‌انگاری گردیده است. فقره دوم ماده ۸۱۹ کود جزا انداختن مواد گندیده یا کثافات یا خاک‌روب یا آب کثیف یا اشیاء مضر به صحت در سرک، راه عام، میدان یا تفریح‌گاه عمومی را جرم تلقی نموده و جزای نقدی ۵ هزار تا ۱۰ هزار افغانی را برای آن تعیین نموده است.

۴-۲. مؤیدات اداری و اجرایی در قبال آلوده‌کننده در قانون محیط‌زیست افغانستان

ضمانت اجراهایی که در ساحت حقوق محیط‌زیست افغانستان مورد مطالعه می‌باشد، دو نوع‌اند. دسته اول عبارت از آن مویداتی‌اند که به منظور تنبیه متخلفین در مطابقت به احکام قانون، بدون اصدار حکم محاکم بالای اشخاص متخلف تطبیق می‌گردد و دسته دوم مجازات‌هایی است که براساس حکم محکمه صالح قابل تطبیق است. در این بخش موارد مرتبط با دسته اول که تحت عناوین مختلفی در قانون محیط‌زیست افغانستان پیش‌بینی گردیده مرور می‌گردد:

۴-۲-۱. توصیه و اخطار کتبی

توصیه و اخطار کتبی در نظام‌های اداری و کیفری معمولاً به عنوان اولین و کم‌هزینه‌ترین مؤیده مورد استفاده قرار می‌گیرد که از نظر مقنن افغانستان دور نمانده است. از جمله موارد کاربرد این مؤیده می‌تواند به ماده ۲۱ مقرر زباله‌های طبی اشاره نموده که براساس آن در صورت تخلف متصدی دفع زباله‌ها، اداره ملی حفاظت از محیط زیست می‌تواند نظر به ساحت، نوعیت و اضرار آلودگی و حسب احوال در بار اول از توصیه و در بار دوم از اخطار کتبی کار بگیرد.

۴-۲-۲. توقیف و ضبط وسایل نقلیه و اشیای آلوده‌کننده محیط‌زیست

بر اساس بند دوم فقره ۲ ماده ۶۷ قانون محیط‌زیست افغانستان مفتشین اداره محیط‌زیست می‌توانند هر گونه استفاده از وسایط نقلیه آلوده‌کننده و مواد آلوده‌کننده را که مغایر احکام قانون مذکور از آنها استفاده شده، متوقف سازند.

بنابر صراحت بند ۵ ماده ۶۷ قانون محیط‌زیست، مفتشین اداره محیط‌زیست می‌توانند به ضبط هر نوع اسناد و اشیای آلوده‌کننده محیط‌زیست مبادرت ورزند.

۴-۲-۳. منع فعالیت

اداره ملی محیط‌زیست ممنوع نمودن هر نوع فعالیتی که مطابق قانون بر محیط‌زیست تأثیر سوء داشته باشد را دارد. در این مورد ماده ۶۸ قانون محیط‌زیست افغانستان چنین صراحت دارد: اداره ملی محیط‌زیست صلاحیت دارد امر منع فعالیت‌های مغایر احکام این قانون را که تأثیرات عمده سوء داشته باشد، به شخص عامل یا اجازه دهنده آن صادر نماید. مواد هفدهم و هجدهم مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا نیز به توقف و تعطیلی فعالیت در صورت تخلف از احکام قانون اشاره دارد.

۴-۲-۴. تعدیل، تعلیق و لغو جواز فعالیت

هر نوع اقدامات سوء زیست محیطی که از طرف دارنده‌گان جوازنامه یا اجازه‌نامه صورت گیرد، به لغو موارد فوق پرداخته می‌شود.

در این مورد فقره دوم از ماده ۶۹ قانون محیط‌زیست چنین مشعر است: هر گاه اداره ملی حفاظت محیط‌زیست تشخیص نماید که شرایط جوازنامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادر شده از طرف دارنده‌گان نقص گردیده است، می‌تواند حکم بر تعلیق فوری جوازنامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادر شده با رعایت احکام قانون نماید.

همچنین در فقره سوم این ماده آمده است، هر گاه تدابیر مندرج فقره ۱ این ماده موثر واقع نگردد، اداره ملی حفاظت محیط‌زیست می‌تواند تصامیم دیگری را اتخاذ نماید که تعدیل شرایط مندرج جوازنامه یا اجازه صادر شده و لغو جوازنامه، اجازه‌نامه یا اجازه صادر شده از جمله موارد آن است.

علاوه بر موارد مندرج در قانون محیط زیست، ماده سیزدهم مقررہ کنترل مواد مخرب لایه اوزون و فقره چهارم از ماده ۲۱ مقررہ زباله‌های طبی نیز به تعلیق جواز یا لغو آن به عنوان مؤیدات اداری و اجرایی اشاره داشته است.

لازم به ذکر است که هر چند تعلیق و لغو جواز در زمره مویدات اداری و اجرایی نیز در قوانین محیط زیستی مورد توجه بوده است، مقنن در کود جزا نیز به از آن در ترکیب با جزای نقدی نیز استفاده نموده است. در ماده ۸۱۲ کود جزا عنوان شده است که هرگاه شخص حکمی مرتکب جرایم زیست‌محیطی گردد مطابق صراحت ماده فوق‌الذکر بر علاوه جزای نقدی از یک صد هزار تا یک میلیون افغانی به تعلیق مؤقت جواز فعالیت‌وی نیز حکم می‌شود.

۴-۲-۵. پرداخت خسارت

مقنن در مواد مختلفی از قوانین مرتبط با محیط زیست به جبران خسارت اشاره داشته است که می‌توان به بند اول فقره ۳ ماده ۶۹ و فقره اول ماده ۷۰ قانون محیط زیست، ماده ۳۳ مقررہ کنترل و مراقبت کیفیت آب و ماده ۲۲ مقررہ زباله‌های طبی اشاره نمود که در آن‌ها متخلف مکلف به پرداخت معادل خسارات وارده گردیده است.

۴-۳. پاسخ‌های جزایی در قبال جرایم زیست‌محیطی در کود جزا

حال باید دید که مقنن کشور در کود جزای کشور و یا دیگر قوانین مرتبط چه نوع پاسخ‌های جزایی را در قبال مرتکبین جرایم زیستی محیطی پیش‌بینی نموده است. یا به عبارت دیگر؛ حمایت‌های جزایی از محیط‌زیست که از جمله اموال عمومی محسوب می‌شود چگونه و دارای چه مصادیق در کود جزای کشور می‌باشد. باید یاد آور شد که بیان همه پاسخ‌های جزایی به صورت ماده‌وار آن‌گونه که در کود جزا برای مجرمین جرایم زیست‌محیطی در نظر گرفته شده و در فوق ضمن بیان جرایم از آن‌ها تذکر به عمل آمد، معقول نیست. بنابراین در ذیل آن‌ها را دسته‌بندی نموده و به ذکر شماره مواد بسنده می‌گردد. مهم‌ترین پاسخ‌های کیفری که برای مرتکبین جرایم زیست‌محیطی مقنن در کود جزا پیش‌بینی نموده است قرار ذیل است:

۴-۳-۱. حبس

حبس که براساس ماده ۱۴۵ کود جزا « عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است»، به عنوان یکی از موثرترین ابزارهای دفاع جامعه در برابر بزهکاران دانسته می‌شود و در جوامع مختلف از اشکال مختلف آن استفاده شده است.

در قوانین افغانستان یکی از پاسخ‌های جزایی در مقابل مجرمین جرایم زیست‌محیطی حبس می‌باشد که مقنن در مواد متعددی از جمله مواد ۸۰۷-۸۱۲، ۸۱۴-۸۱۸، ۸۲۳-۸۲۹ و ماده ۸۳۵ کود جزا و همچنین ماده ۷۰ قانون محیط زیست به انواع آن اعم از قصیر، متوسط و طویل اشاره داشته است.

۴-۳-۲. جزای نقدی

مطابق ماده ۱۳۹ کود جزا «جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم‌بها به خزانه دولت» که در کنار حبس یکی دیگر از حمایت‌های جزایی می‌باشد که مقنن در مواد متعدد کود جزا از جمله مواد ۸۰۸-۸۱۰، ۸۱۲-۸۱۹، ۸۲۱، ۸۳۱-۸۳۵ و همچنین ماده ۷۰ قانون محیط زیست، ماده ۲۱ مقرر زباله‌های طبی، مواد ۳۶ و ۳۷ مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا و ماده ۲۲ مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی صوتی، به آن اشاره نموده است.

۴-۳-۳. مصادره اموال

در بعضی مواد کود جزا مصادره اموال از نزد شخص که مرتکب جرایم زیست‌محیطی شده است نیز توسط مقنن پیش‌بینی گردیده است. به‌طور مثال در مورد کسانی که مواد نفتی بی کیفیت را وارد بازار می‌نمایند، موادشان از طرف ارگان‌های ذیصلاح مصادره می‌گردد. مستنداً ماده ۸۱۱ چنین مقرر می‌دارد: «شخصی که مواد نفتی یا گاز مایع بی کیفیت را بدون در نظر داشت معیارهای اداره ملی استندرد، تولید یا توريد نماید، علاوه بر مصادره مواد نفتی بی کیفیت، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد». به همین ترتیب ماده ۸۱۲ کود جزا در مورد مسئولیت شخص حکمی چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه جرایم مندرج این فصل توسط شخص حکمی ارتکاب گردد، علاوه بر مصادره مواد مضره یا مواد آلوده‌کننده، به جزای نقدی از یک صد هزار تا یک میلیون افغانی و تعلیق موقت جواز فعالیت، یا سلب جواز، محکوم می‌گردد».

نتیجه‌گیری

محیط‌زیست موهبت الهی و از الطاف خداوند بر انسان‌ها است. بر همین اساس، به تمامی انسان‌ها تعلق دارد. استفاده خردمندانه از این موهبت، جامعه انسانی را در مسیر تعالی و ترقی قرار می‌دهد و محیط‌زیست در پرتو کارکردهای اجتماعی آن، عنصر ضروری حیات بشر است؛ به گونه‌ای که بقای بشر وابسته به وجود و بقای آن است. از این رو داشتن محیط زیست سالم، یک حق الهی و طبیعی برای انسان‌هاست و پیش شرط استیفای سایر حقوق نیز می‌باشد.

جامعه بشری تجربیات بی‌شماری را از سرگذراند تا جامعه جهانی به این حقیقت آگاه گردد که حفظ محیط زیست رابطه تنگاتنگی با حیات انسان دارد. در پی این نتیجه در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی برای جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی روی دست گرفته شد که منجر به تدوین اسناد حقوقی متعددی شامل حقوق نرم و سخت در عرصه حمایت از محیط زیست گردید. اما تا به امروز این اسناد باعث این موفقیت نگردیده‌اند که روند رو به تزاید آسیب‌های زیست‌محیطی در سطح جهانی متوقف گردد. یکی از مهم‌ترین دلایل این است که این اسناد از ضمانت‌اجراهای موثری برخوردار نبوده و کمتر به جرم‌انگاری و کیفردهی آسیب‌های زیست‌محیطی به عنوان جرایم بین‌المللی پرداخته‌اند و صرفاً آسیب‌های زیست‌محیطی در زمان جنگ، آن هم تحت شرایط خاصی مورد توجه قرار گرفته است. جامعه بین‌المللی بیشتر این انتظار را داشته است که دولت‌ها در حقوق داخلی به تدوین قوانین کیفری زیست‌محیطی بپردازند و پشتیبانی دولت‌ها در عرصه داخلی بتواند جامعه بین‌المللی را به سرمنزل مقصود برساند.

در این تحقیق تلاش گردید تا رویکرد کیفری حقوق داخلی افغانستان قانون‌گذار به جرم‌انگاری در حوزه محیط‌زیست و کیفری‌دهی و مجازات متخلفین مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. حاصل مطالعه این بوده است که در افغانستان به ویژه در ۲۰ ساله دوره جمهوری اسلامی عنایت ویژه به تدوین، تعدیل و اصلاحات قوانین مرتبط با محیط زیست صورت گرفته است و از جمله قانون‌گذار قوانین و مقرره‌های متعددی همچون از قانون محیط‌زیست، مقرر کنترول مواد مخرب لایه اوزون، مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، مقرر کنترول و مراقبت کیفیت آب، مقرر کاهش و جلوگیری از آلودگی صوتی، مقرر زباله‌های طبی، مقرر ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی را به تصویب رسانده و به منصفه اجرا گذارده است. همچنین در تدوین کود جزا ضمن توجه به بسیاری از جرایم بین‌المللی توجه در خور شأنی به موضوعات مرتبط به محیط زیست و جرم‌انگاری اعمال منافی محیط زیست داشته است. قانونگذار در قوانین فوق‌الذکر جرایم مرتبط به محیط زیست از جمله فعالیت‌های تخریب‌کننده محیط زیست گیاهی، اقدامات علیه محیط زیست حیوانی، موارد آلودکننده هوا، آلوده‌سازی و تخریب منابع آب، تخریب محیط زیست ذریعه زباله‌های طبی و انتشار امراض و... را جرم‌انگاری نموده و برای جلوگیری از ارتکاب جرایم ضمانت‌اجراهای متعددی از جمله ضمانت‌های اداری و اجرایی مانند توصیه و اخطار کتبی، متوقف ساختن فعالیت، تعلیق و لغو جواز، جبران خسارت، توقیف وسایل آلاینده، استرداد منابع غصب شده و... و همچنین مجازات‌های شامل جزای نقدی، حبس و مصادره اموال و حتی مجازات‌های ترکیبی را در نظر گرفته است.

همچنین واگذار نمودن صلاحیت‌های اجرایی همچون تدوین پالیسی‌ها، تعیین ستندردها، اعطای جواز فعالیت و نظارت بر فعالیت‌های مرتبط با محیط زیست از نکات مثبت مندرج در قوانین مذکور است که با امکان تعقیب عدلی متخلفین و ارجاع دوسیه‌های آنان به مراجع عدلی رویکرد کیفری در آنها تقویت گردیده است.

می‌توان گفت وضع قوانین دربردارنده تأمینات و تضمینات لازم برای حفاظت و حمایت از محیط زیست و تعیین مجازات‌ها در این عرصه در حد زیادی تأمین‌کننده رعایت حقوق بین‌الملل محیط زیست است. با این حال نباید فراموش نمود که وجود قواعد و قوانین به تنهایی کفایت نمی‌نماید و آنچه بدیهی است، ضرورت فعالیت‌های جدی و مؤثر ذیدخل در حوزه محیط زیست در تطبیق و تعامل قواعد مربوطه کم‌ارزش‌تر و کم‌اثرتر از وضع قواعد و قوانین نبوده و نمی‌باشد. با توجه به ساختار اجتماعی موجود و وضعیت اقتصادی مخاطبین قانون، آنچه به نظر می‌رسد این که مطالعه انطباق قوانین موجود با شرایط جامعه، موثریت مویذات اداری و اجرایی و مجازات‌ها، عملکرد ادارات مرتبط از جمله اداره ملی حفاظت محیط زیست به ویژه در زمینه ارجاع تخلفات اشخاص حقیقی و حکمی به مراجع عدلی و قضایی از موضوعاتی است که باید مطالعه بیشتری به ویژه با روش میدانی در مورد آنها صورت گیرد.

منابع

الف- کتب فارسی

۱. شیلتون، دینا و کیس، الکساندر (۱۳۸۹)، کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبداللهی، تهران: خرسندی.
۲. مشهدی، علی (۱۳۹۱)، *ترمینولوژی حقوق محیط زیست*، تهران: خرسندی.
۳. تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۶)، *حقوق کیفری محیط زیست*، تهران: قومس.
۴. ریسونی، احمد، (۱۳۷۶)، *اهداف دین از نگاه شاطبی*، ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمد علی احمدی ابهری، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۱)، *نظام حقوق زن در اسلام*، انتشارات صدرا هژیر، عبدالولی (۱۳۹۶)، *اقتصاد محیط زیست*، کابل: تمدن شرق.

ب- پایان نامه ها

۱. محمدی آرزوجی، سارا (۱۳۹۴)، *حمایت کیفری از محیط زیست در پرتو حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

ج- مقالات

۱. کاشانی، جواد (۱۳۹۰)، «*دعوای گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و قواعد ثانویه در سیستم حقوقی*»، فصلنامه پژوهش حقوق، شماره ۳۷، صفحات ۱۲۱-۱۴۶.
۲. صمیم، روح الله، «*حمایتهایی جزایی از اموال عمومی در حقوق جزای افغانستان*»، سایت موسسه آموزش عالی جهان. قابل دسترسی در: <https://research.jahan.edu.af>
۳. حسینی، سیدحسین و دانش ناری، حمیدرضا و عظیمی، رفیع الله (۱۴۰۲)، «*بررسی عوامل مؤثر بر پیشگیری از جرایم زیست محیطی در شهر هرات*»، نشریه محیط شناسی، شماره ۴۲، ۲۳۹-۲۵۳.
۴. جام بزرگ، مریم و پرنوری، منصور و پورهاشمی، سیدعباس و هیرمداس باوند، داود (۱۳۹۸)، «*مولفه ها و چالش های تدوین شاخص های جرم زیست محیطی تحت عنوان جرم بین المللی*»، علوم تکنولوژی محیط زیست، شماره ۴، ۲۷۸-۲۵۷.
۵. روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۴)، «*مقایسه تطبیقی «اصل ضرر» و «قاعده لاضرر» در توجیه مداخله کیفری*»، پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۱۹ (۲): صفحات ۵۱-۷۴.
۶. صانعی، مسلم و حیدرپور، ماشاء الله و کیانی، داود (۱۳۹۹)، «*ارزیابی رویکردهای لیبرالیستی در مواجهه با معضلات زیست محیطی جهانی*»، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، شماره ۴۲: صفحات ۱۴۳-۱۶۸.
۷. محبی، محسن و ابراهیمی لویه، سهیلا (۱۳۹۶)، «*مکتب نیهویون در حقوق بین الملل: بازخوانی رابطه قدرت و حقوق بین الملل*»، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۲: صفحات ۱۸۱-۲۰۶.
۸. فقیه حبیبی، علی (۱۴۰۱)، «*تحول جرایم زیست محیطی در پرتو تکوین قواعد بین المللی زیست محیطی*»، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، شماره ۴۵: صفحات ۱۵۰-۱۳۱.

د- قوانین

۱. کود جزا، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۱۲۶۰، ۱۳۹۶.
۲. قانون محیط‌زیست، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۸۲۷، ۱۳۸۵.
۳. مقررہ کنترول مواد مخرب لایه اوزون، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۸۹۴، ۱۳۸۵.
۴. مقررہ کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۹۹۱، ۱۳۸۸.
۵. مقررہ کنترول و مراقبت کیفیت آب، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۱۲۱۲، ۱۳۹۵.
۶. مقررہ کاهش و جلوگیری از آلودگی صوتی، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۱۲۱۰، ۱۳۹۵.
۷. مقررہ زباله‌های طبی، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۱۲۶۴، ۱۳۹۶.
۸. مقررہ ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی، جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه، نمبر مسلسل ۱۲۷۶، ۱۳۹۶.

ه- منابع لاتین

1. Smith, M. Rhona, K., (2005), *Textbook on International Human Right*, Second edition, London: Oxford University Press.
2. Feinberg, Joel, Harm to Others, (1984), Vol. 1, New York: Oxford University Press.
3. *Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment*, Stockholm 1972, Principles.
4. *Declaration on Environment and Development*, Rio 1992, Preamble, Para. 6.
5. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, And Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (PROTOCOL I)*, of 8 June 1977, Accessible at:
https://www.un.org/en/genocideprevention/documents/atrocity-crimes/Doc.34_AP-I-EN.pdf
6. *Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind (1996)*, available at:
https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/7_4_1996.pdf
7. *Rome Statute of the International Criminal Court, of 17 July 1998*, available at:
[https://legal.un.org/icc/statute/english/rome_statute\(e\).pdf](https://legal.un.org/icc/statute/english/rome_statute(e).pdf)
8. *Convention on the Protection of the Environment through Criminal Law, Strasbourg, 4.XI.1998*, available at:
<http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/172.htm>